

چهارده

فرهنگی، هنر و رسانه ویژه



شهیدی فراتر از دوران

■ کتاب «پاییز آمد» زندگی شهید احمد یوسفی و همسرش را به عنوان الگویی بی نظیر از سبک زندگی ایرانی-اسلامی روایت می‌کند

ریل رسانه ملی برای نیل به تمدن نوین ایرانی-اسلامی

■ رئیس سازمان صداوسیما در اختتامیه همایش دین، فرهنگ و رسانه‌های نوین با ارسال پیامی بر دستیابی به هویت جهانی- امتی با تقویت هویت دینی و انقلابی تأکید کرد

منافع استراتژیک

در تبادلات فرهنگی-تمدنی

■ در گفت‌وگو با هنرمندان و برگزارکنندگان نمایشگاه «ابره‌ای بی پایان جاده ابریشم» ریشه‌های فرهنگی بین ایران و چین را بررسی کردیم

ستاره‌های آسمان مقاومت در دوکوهه ادبیات

■ برنامه ادبی شبکه چهار سیما با نگاهی به خاطرات رزمندگان از دوران هشت سال دفاع مقدس، این برهه زمانی را مرور می‌کند

جهان خیال انگیز تو در فیلم کوتاه

■ بخش‌های ویژه فلسطین و هوش مصنوعی یکی از تفاوت‌های اساسی چهل و یکمین جشنواره فیلم کوتاه تهران است



گم شدن در دالان تحریم گوگل

یک تجربه عینی از دالان سانسور و محدودیتی که سایت‌های جست‌وجوگر نت به نفع غرب اعمال می‌کند

پیدا می‌شد، اما همه آنها علیه کشورهای استعمارزده بودند! ملادو، سه داستان کوتاهی که به زحمت درباره کویا پیدا شد، از زبان کسانی بود که مخالف انقلاب کویا بودند و در خلال کلمات از آوازی و فرارشان ناله می‌کردند. وقتی نوبت جست‌وجو برای ونزوئلا بود، نه تنها داستان پیدا نکردم، بلکه متوجه شدم جهت‌دهی شدیدی علیه این کشور در گوگل برقرار است. از اولین نتیجه جست‌وجو که رد شدم، به بخش سؤال‌های رایج درباره ونزوئلا رسیدم و اولین سؤال این بود: دیکتاتور ونزوئلا کیست؟ نیکولاس مادورو، خود را جای میلیاردها انسان بی اطلاع روی کره زمین گذاشتم که در جست‌وجوهایشان درباره ونزوئلا این سؤال را در بدو کارشان می‌بینند و از همان لحظه نظرشان شکل می‌گیرد. در قسمت جست‌وجو ونزوئلا را پاک کردم و ایران را نوشتم. سؤال‌ها از این قرار بود: آیا ایران کمونیست است؟ یا چرا ایران ادای مبارزه با استعمار را درمی‌آورد؟ (چون دنبال داستان‌های ضدامپریالیسم ایرانی بودم). آیا اسرائیل در جنگ ایران و عراق به ایران کمک می‌کرد؟ (در جست‌وجوی داستان‌های ایرانی درباره جنگ بودم). به‌مانند که داستان‌های معرفی شده هم یا ربطی به جنگ تحمیلی و دفاع ایران از مرزها و کیان خود نداشت یا کلاً در رسته ادبیات ضد جنگ بودند و نه درباره یادآوری. چهار روز جست‌وجو و به تعبیر خودم شخم‌زدن نت فقط و فقط یک مطلب قابل اعتنا برایم داشت، آن هم مصاحبه‌ای روایت‌گونه بود درباره انقلابی‌های الجزایری علیه فرانسه که خبرنگاری الجزایری از یکی از اقوام سالخورده خود پرسیده بود.

با این وضعیت گوگل و سانسور و قبح‌خانه‌ای که بر آزادی اطلاعات اعمال کرده، دیگر عجیب نیست که ویتنامی‌ها را روحشی بدانیم، آفریقایی‌ها را موجوداتی عقب‌مانده و نیازمند کفالت سفیدپوستان ببینیم و در تصویرمان آمریکای جنوبی‌ها مردمی خلافت‌کار و فقیر و در حسرت آزادی و رونق غربی‌ها باشند. کمترین که در همین سال ۲۰۲۴ و گردش به‌ظاهر آزاد اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی، هنوز که هنوز است، بخش عمده مردم غرب فکر می‌کنند ایرانی‌ها در میان رمل و شن بیابان‌ها زیر چادرهای سیاه و مندرس زندگی می‌کنند و با شتر این طرف و آن طرف می‌روند. اگر زبان رسمی یا بومی این کشورها را بلد نباشیم، از این دالان سانسور و محدودیت گوگل غربی‌ها راه به جایی نخواهیم برد. راستی آیا کره شمالی دقیقاً همانی است که آمریکا روایت می‌کند؟

روز ۱۵ اکتبر رئیس‌جمهور کویا به همراه سایر سران حریش در تظاهراتی در حمایت از مردم فلسطین شرکت کرد. میگل دیاگزکانل در این راهپیمایی کوفیه به گردن انداخت و در کنار مردم هاوانا و ۲۵۰ دانشجوی پزشکی فلسطینی علیه جنایت‌های اسرائیل شعار داد. این دست اخبار در این یک سال زیاد بوده و خبر جدیدی نیست. شاید اگر بخواهیم به آمار و ارقام توجه کنیم، مردم اروپا و دانشجویان آمریکا حتی حماسه‌آفرین‌تر بودند. اما پشت تظاهرات مردم و رئیس‌جمهوری‌هایی مثل کویا یا ونزوئلا چیزی هست که در اروپا و آمریکا یافت نمی‌شود. کشورهای آمریکای جنوبی یا اصطلاحاً آمریکای لاتین همیشه زخم‌خورده سیاست‌های زیاده‌خواهانه و استعماری آمریکا و غرب بوده‌اند. اکثر این کشورها طعم کودتاها، سرکونی حکومت‌های مردمی و جایگزینی آنها با دیکتاتورهای خونخوار و دست‌نشانده غرب و البته تحریم‌های آمریکا را چشیده‌اند. اما در کنار این دخالت‌های فیزیکی، از تخریب‌های رسانه‌ای غرب هم مصیبت‌ها دیده‌اند.

مدتی پیش برای یک پروژه ترجمه به دنبال داستان‌های کوتاهی با موضوع جنگ یا مبارزه علیه استعمار، به خصوص استعمار غرب بودیم. در قدم اول با کلیدواژه‌هایی کلی جست‌وجو در گوگل را شروع کردم. عباراتی مثل «داستان‌های کوتاه جنگ علیه استعمار»، اما نتیجه دلخواهی به دست نیامد. بعد دایره جست‌وجو را محدودتر کردم. این بار اسم کشورهای مختلف و معروف مبارز را هم ذکر کردم. مثلاً «داستان کوتاه مبارزه. لیبی». «داستان کوتاه. ضدامپریالیسم. کویا». «الجزایر. داستان کوتاه. اشغالگری» و جست‌وجوهای مشابه. کویا، ونزوئلا، ویتنام، الجزایر، لیبی، آفریقای جنوبی و هر کشور زجرکشیده تاریخ استعمار را در این گشت‌وگذارها در گوگل بالا و پایین کردم. این جست‌وجوها، نه یکی، دو ساعت، بلکه چهار، پنج روز ادامه داشت. نتیجه از دو حالت خارج نبود: یا گوگل سایت‌های تاریخی را تحویل می‌داد و از آنجا که به زبان انگلیسی می‌گشتم، این سایت‌ها هم عمدتاً متعلق به دانشنامه‌ها و دانشگاه‌های آمریکایی و بریتانیایی بودند؛ یا داستان کوتاه و روایت‌های داستانی



منطقه عیار نویسنده و مترجم

سنوار

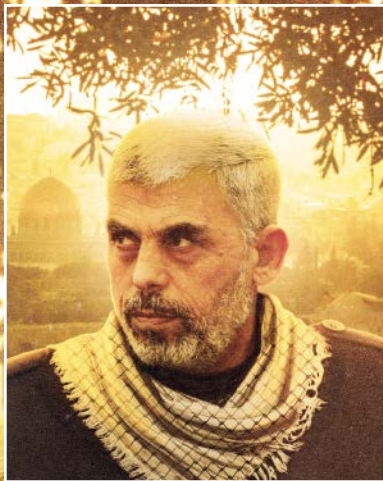


احمد میراحسان نویسنده و منتقد

توبه ماه بر خوردی
مهنمایی شدی
حالا در عاشورا ماؤا گزیده‌ای
سکنای یکنای چیزی از اینها نفس المطمئنه.
در چیزی از حسین.
وسکونت داری.
در سکوت تو
حالا ی گفت‌وگویی دیگر
در نقطه‌ای آغاز جاودانگی
حالا شنآوری در درخشش بسم...

■ ■ ■

نظری می‌کنی به وجه‌ا...
با آسمان آسمان‌های باز
با عشقی باز
یا حسین باز
رابطه داری
یعنی شکار عشقباز شده‌ای
و در نور شدید ادراک
می‌یابی می‌بینی
چیزی از عصمت‌گیری یعنی چه
چیزی از آیت عظمی یعنی چه
بدر یعنی چه
درد یعنی چه
ماه چهارده
چگونه در محاف می‌شود
تاریکی شب را معنا می‌کند
در چشم بسته، چشم‌های باز تو اینک ماه
تاریکی را بیدار می‌کند. نوشته شده است
نام‌های نهی را
ظلم، ظلمات، غاصبان ظالم را
پیشواان شیطان را
بیدار کرده



اما روایت چهاردهم
روایت چهاردهم
کار را تمام خواهد کرد
و تمام جنون این سنوار است
از روایت چهاردهم
گر نکته‌دان عشقی...
بر زمینه رنج‌های تو
این عنایت شنیدنی ست:
بی‌مزد بود و منت و خدا ترا چشم‌کرد و ترا شنود
یارب مباد کس را...

■ ■ ■

اکنون در زمینه رنج‌های تو
بازتاب عشق و
صحرا تقایق و
فوران یک سرزمین کلمه‌های سرپریده
اینک زمینه تو
دربار آتش و صدا‌های مادرانی سوخته:
و واژه‌های نوزاد یا گلوهای دریده
کلمه‌های تکه‌تکه شده
و آه و تو طینی نازدودنی دارد:
قتلوه عطشانا
زندان تشنه لب را آبی نمی‌دهد کس
بر زمین خواب‌های سنوار:
عشش
استعاره‌های شهید
تصاویر نیمروز عاشورا
تشبیه‌های مقتول
لف و نشر خیمه‌های کربلا و
چادرهای رفح
شعله‌ور از جنون
و خانه‌های منفجر یا کرس‌های صهیون
و دیاران و باران خاکستر
و دیاران و خاکستر
و تو قالی‌بالی بودی سنوار
و بیچیدی
در زلف چون کمندش
باد می‌زد و تندباد. یادابادی
مبارک باد چشم گواه
سرچشمه دیدار
مبارک باد
جانارو باشد چشم
درین شب سیاه



من کامل

YAHOO!

Bing

Ask

Google

DuckDuckGo